

اتحاد علما و مردم تبریز، گامی موفق در شکست استبداد

۱۰ آذر ۱۴۰۰ ساعت ۱۴:۵۸

حمایت روحانیون از مردم و تشویق آنان به مقاومت باعث شد «تا مردم تبریز در مقابل عین الدوله صدراعظم سابق که به سمت والی آذربایجان منصوب شده و با قشونی مرکب از شش هزار نفر قصد تصرف آن شهر را داشت مقاومت قهرمانانه نمایند.»

هر جنبش یا انقلابی فارغ از نام و گرایش و خواسته مبارزان آن دارای برخی وجوه اشتراکی است. بیشک رکن مردم عامل اصلی، ثابت و مهم در آغاز و امتداد هر جنبش سیاسی میباشد. توده مردم عمدتاً در ائتلاف با اقشار نخبه خاصی میتوانند موجد تحولات اساسی گردند. در ایران به خصوص در تاریخ معاصر سیاسی، اتحاد مردم و علمای مذهبی یا روحانیون از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این اتحاد در دوره حکومت قاجارها و به خصوص در جریان انقلاب مشروطه پررنگ گردیده و باعث دگرگون شدن بسیاری از تحولات سیاسی میگردد. چنانچه اتحاد گروه مردمی با روحانیون، در جریان قیام مردم تبریز در [نهضت مشروطه](#)، نمونه ای بارز از این موضوع میباشد که چگونگی این اتحاد و تأثیر آن بر تحولات سیاسی، در این نوشته کوتاه بررسی میگردد.

قیام مردم تبریز و نقش علما و روحانیون

در دوره قاجار، شهرها نیز از آن جهت که کانون عمده جنبش های اعتراضی علیه مخالفان مشروطه بودند، اهمیت خاصی داشتند. «چنانچه مخالفت جدی با محمدعلی شاه، از شهرستانها و مهمتر از همه تبریز برخاست.»^۱ همچنین در جریان امضای فرمان مشروطیت در دوره محمدعلی شاه، زمانی که [امین السلطان](#)، (اتابک اعظم) از امضای قانون اساسی سر باز زد، مردم بسیاری از شهرها و استانها از جمله تبریز دست به اعتراض زدند. اعتراض مردم در تبریز در جریان به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلی شاه به اوج خود میرسد که از آن با عنوان قیام مردم تبریز نیز یاد میشود. در جریان این اتفاق، مردم شهر به هواداری از مشروطه و مخالفت با محمدعلی شاه برخاستند.

مردم و مجاهدین تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان دست به اعتراض زده که بر اثر این اعتراض ها تبریز به مدت یکسال به محاصره نیروهای دولتی درآمد. در واقع در شرایطی که «بسیاری از سردستانان و نمایندگان انجمن سخت ترسیدند و هر یکی به اندیشه جان و دارایی خود افتاده و مشروطه را از میان برخاسته می دانستند، مجاهدان ترسی به خود راه نداده و دست از ایستادگی برنداشتند.»^۲ اما نقش علما و روحانیون نیز در این قیام، بیش از سایر اقشار و گروهها مشهود و با اهمیت بود. روحانیت در این دوره یکی از ارکان مهم قدرت سیاسی محسوب گشته و با استقلال نسبی از کانون قدرت مرکزی، نقش بسزایی در تغییر معادلات قدرت داشتند. چنانچه با جرأت میتوان گفت اتحاد آنان با هر جریانی میتوانست بر روند و مسیر آن جریان تأثیر بسزایی داشته باشد. این موضوع در جریان قیام مردم تبریز نیز به چشم خورده و علما و روحانیون، به خصوص مراجع نجف به عنوان یکی

از حامیان انقلاب مشروطه، در کنار مردم قرار گرفتند. روحانیون از یک سو با محکوم نمودن اقدامات حکومت قاجار در سرکوب مشروطه و آزادیخواهان، و از سویی با حمایت از **مشروطه طلبان** و مردم تبریز، نقش مهمی در مقاومت مردم شهر ایفا نمودند. با «شکل گیری قیام مردم تبریز، علما و روحانیون، مسمانان قفقاز و تفلیس را به کمکهای مالی و انسانی به مدافعان تبریز فراخواندند.»^۳

به طور کلی علما در جریان مشروطه نقش بسیار مهمی داشتند. علمای ایرانی مقیم نجف نیز در جریان تعطیلی مجلس شورای ملی، در حمایت از مشروطه طلبان، با صدور فتوا مخالفت خود با اقدامات محمدعلی شاه را ابراز کرده و مخالفت با اساس مشروطیت را در حکم محاربه با امام زمان(عج) اعلام نمودند. مضمون این فتوا عبارت است از: «الیوم، همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اموال میهن از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او، از اعظم محرمات و بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت، به منزله جهاد در راه امام زمان، ارواحنا فداه، و مویی مخالفت و مسامحه، به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت، صلوات الله علیه، است.»^۴ در این بین، برخی از علمای بزرگ نجف همچون آیت الله مازندرانی و آیت الله میرزا خلیل که زحمات زیادی در راه نابودی استبداد و برقراری مجلس مشروطه کشیده بودند با ارسال تلگراف هائی مردم را به مقاومت دعوت نموده و شاه و مستبدین را از عواقب اعمالشان نهی کردند.^۵

مردم تبریز نیز در همین راستا پا به پای روحانیت حرکت می کردند. پیتر آوری محقق و مورخ انگلیسی نیز بر این موضوع صحه گذاشته و اعتراف می کند: «در سراسر آزمون بزرگ مشروطه، تبریز از حمایت سه روحانی معروف نجف، یعنی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حاجی میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل تهرانی و شیخ عبد الله مازندرانی برخوردار بود.»^۶

حمایت روحانیون از مردم و تشویق آنان به مقاومت باعث شد «تا مردم تبریز در مقابل عین الدوله صدراعظم سابق که به سمت والی آذربایجان منصوب شده و با قشونی مرکب از شش هزار نفر قصد تصرف آن شهر را داشت مقاومت قهرمانانه نمایند.»^۷

بدین ترتیب در پی مقاومت مردم تبریز و درگیری آنان با نیروهای وابسته به محمدعلی شاه، شهر به تصرف مشروطه خواهان در آمده و نیروهای شاه به رهبری عین الدوله مجبور به عقب نشینی گشتند. بنابراین نیروهای وابسته به دولت نیز در واکنش به این شکست، با محاصره تبریز، مانع از رسیدن آذوقه و دارو به شهر شدند. این محاصره نزدیک به یکسال به طول انجامید؛ با وخیم شدن اوضاع شهر، علمای نجف در جبهه‌ای متشکل بارها اقدامات محمد علی شاه در رویارویی با اراده مردم را خلاف محکوم و خلاف اسلام دانستند.

اینگونه بود که در نتیجه مردم تبریز و دیگر شهرها، زمانی که محمدعلی شاه متوجه شد قادر به سرکوب آزادیخواهان نیست، مجبور به فرار میشود و روسها که حامی قدرتمند محمدعلی شاه بودند، وارد عمل گشته و سرانجام با وساطت روسها و حمایت مؤکد مراجع مشروطه خواه نجف و پایداری مردم تبریز، مشروطه خواهان موفق به شکست نیروهای دولتی شده و از این طریق محاصره به پایان میرسد. با اتمام محاصره، مردم رشت و اصفهان (که عمدتاً از بختیاری های جنوب این شهر بودند)، به سمت تهران حرکت کرده و جنبش مشروطه دوباره احیا میشود. بدین ترتیب میتوان قیام مردم تبریز در جریان انقلاب مشروطه را نمونه ای بارز از جنبش های آزادی طلبانه در برابر نظام استبدادی دانست که با حمایت روحانیون و علمای طراز اول نجف به ثمر نشست.

پی نوشت ها:

- ۱- صادق زیباکلام؛ سنت و مدرنیته، تهران، انتشارات روزنه، چاپ پنجم، ۱۳۸۲. ص: ۳۷۴.
- ۲- احمد کسروی؛ تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم، ۱۳۶۳. ص: ۶۷۸.
- ۳- لطف الله آجدانی؛ علما و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص: ۸۹.
- ۴- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، نشر پیکان، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص: ۳۵۳.
- ۵- یحیی دولت آبادی، تاریخ معاصر یا حیات یجییه (تهران، ابن سینا) ج: ۳ ص: ۳۰.
- ۶- پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، عطایی، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص: ۲۵۷.
- ۷- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی) تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، ص: ۳۳۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۵۸۲/اتحاد-مردم-علما-تبریز-گامی-موفق-شکست-موفقه>